



قال الله تبارک و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

عدم اعتناء به حالات

شناسنامه مطلب	
t-195	کد مطلب
تزکیه‌ای/تقوای عمومی/اصلاح اندیشه/آشنایی با مسیر/ویژگی‌های مسیر	رده
آثار عمل، حالات، اعتماد، اصلاح اندیشه، تزکیه نفس، عرفانهای کاذب	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

در تربیت توحیدی به آثار و حالاتی که برای شخص حاصل می‌شود، اعتنا نمی‌شود. اما افراد غیر مهذب تمام زندگی و اعتبار خود را روی کشفیات و کراماتشان قرار می‌دهند.

در علوم دیگر وقتی شخص در رشته خود موفقیت بزرگی کسب می‌کند، چه بسا از هیجان نمی‌داند چه کار کند. این شخص در ابراز حالات خود را آزاد می‌بیند و حالت طبیعی اش هم اینطور است. او به خاطر آثار هیجان، رابطه‌اش با دیگران تغییر کرده است و این یک مسئله طبیعی است. اما در مسیر تربیتی این طور نیست.

در مسیر تربیتی اگر شخص يك چیزی درك کرد که ای بسا از آنچه افراد دیگر کسب می‌کنند، هم لذت بخش‌تر باشد. در این حالت بسیار بر خودش توجه دارد که هیچ هیجانی به او روی ندهد. بلکه ظرفیتش باید به حدی بالا باشد که اصلاً احساس نکند به نتیجه کار خود رسیده است. در مسیر تربیتی در حد بالایی ظرفیت وجودی و بندگی در محضر الهی برای انسان فراهم می‌شود که فقط توجه‌اش به این است که خدا چه تفضلی می‌کند، نه اینکه کار من چه اثری می‌گذارد.

در غیر مسیر تربیتی کسی را می‌بینی که زحمت کشیده است، ولی چون شکست خورده است، افسرده در يك طرف افتاده و هیچ کس نمی‌تواند به خاطر شدت ناراحتی این فرد، با او حرف بزند. اما در مسیر تربیتی اینطور نیست و فرد ده سال است زحمت می‌کشد و به هیچ نتیجه‌ای در ظاهر نمی‌رسد، بلکه احساس می‌کند وضعیتش روز به روز خراب می‌شود. اصلاً این خراب شدن با آن یکی فرق می‌کند. در رابطه‌ی توحیدی فرد از این حالات بهره‌مند خواهد شد. باید بهره بگیرد که وقتی خراب می‌شود، خداوند می‌خواهد چطور او را تربیت کند؟ با دید توحیدی وقتی به وضعیت وجودی‌اش و به حالاتش نگاه می‌کند، نه تنها ذره‌ای افسرده و ناراحت نمی‌شود بلکه همچنان از این حالات برای کمالاتش حداکثر بهره توحیدی را می‌گیرد.

یکی از عزیزان بود که بعد از چند ماه از انجام برنامه‌ای می‌فرمود «من شش ماه است که به این برنامه عمل می‌کنم الان برنامه بعدی چطور خواهد شد؟» عرض کردیم که این کتاب نیست که ده بار این کتاب را خوانده‌ام و تمام کرده‌ام و خسته شده‌ام از خواندن این کتاب. کتاب بعدی چیست تا بخوانم؟ این طور نیست.

باید ببینیم که این برنامه در وجودش تا کجا اثر کرده است. آیا خاصیتش را در این فرد گذاشته است یا نه؟ باید به صورت طبیعی به این نتایج برسد و به صورت اجباری ثمره‌ای ندارد.

يك پزشك اگر یکی از رگ‌های غیرقابل علاجِ فرزندش آسیب دیده باشد و هیچ راه حلی هم نباشد، چه کار می‌تواند بکند؟ در این وضعیت در اختیارش چیزی نیست ولو پزشك است ولو فرزند خودش است. اما تسلیم نظام آفرینش است. سعی‌اش را هم می‌کند، تمام کارها را تا آخرین امکانات به کار می‌برد؛ ولی چون می‌بیند که قانون در نظام آفرینش به این حکم می‌کند، تسلیم است. قوانین عالم در دست او نیست که چون من پزشکم باید فلان و فلان شود. به هر حال برنامه و نتیجه به دست آمده از این دستورات نه تنها دست استاد نیست بلکه در اختیار هیچ احدی هم نیست خداوند در قرآن می‌فرماید: « فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ »^۱

پایگاه ندای پاک فطرت